

رویکرد احساس‌گرای ریچارد رورتی به حقوق بشر

سید مسعود موسوی کریمی*

مهدی دلگیر**

DOI: 10.22096/hr.2023.2002745.1584

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۸ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۵]

چکیده

دست‌یافتن به این امر که سرشت انسان چیست و در پی آن چه حقوق و وظایفی بر آن مترتب است، از دیرباز دغدغه فیلسوفان بوده است. این دغدغه پس از جنگ جهانی دوم و با تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر منجر به شکل‌گیری جریانی موسوم به حقوق بشر شد. ریچارد رورتی به مخالفت با تمام مکاتب میناگرا که شاخصه اصلی جریان حقوق بشر بود می‌پردازد و آنها را برای احترام به حقوق بشر ناکارآمد توصیف می‌کند و بر این باور است که بهترین راه ترویج و دفاع از حقوق بشر، گسترش و تبیین رویکرد احساس‌گراست. بر اساس این رویکرد، تفاوت انسان‌ها با حیوانات در این نیست که از عنصر ویژه‌ای به نام عقل برخوردارند، بلکه در این است که انسان‌ها در حد بسیار وسیع‌تری نسبت به حیوانات احساس می‌کنند. او باور دارد ما می‌توانیم با بهره‌گیری از ابزارهای آموزش احساسی و ترویج حس همدلی از حقوق بشر دفاع کنیم. در این مقاله مبانی فلسفی دیدگاه رورتی نسبت به حقوق بشر را بررسی کرده و پس از مرور انتقادات رورتی بر خوانش‌های فلسفی رقیب از حقوق بشر، انتقادات وارد به دیدگاه رورتی را جمع‌بندی نموده و ضمن ارائه پاسخ‌های خود به آنها، نشان می‌دهیم که تبیین رورتی

* استادیار، دپارتمان فلسفه، دانشگاه مفید، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: mmkarimi2@gmail.com

** دانش‌آموخته دکترای تخصصی حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Email: mehdidelgir@yahoo.com



از حقوق بشر در چهارچوب عمل گرایانه، هم از لحاظ فلسفی قابل دفاع و هم از لحاظ عملی کارا است.

کلیدواژه: ریچارد رورتی؛ حقوق بشر؛ احساس گرایی؛ قاعده طلایی؛ آموزش احساسی.